

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۵۵۵ ماده از قانون مدنی  
برگزیده و کاربردی  
در آزمون‌های حقوقی

---

تدوین:  
الهام مختاری

انتشارات چتر دانش

عنوان قراردادی	ایران. قوانین و احکام
عنوان و نام پدیدآور	۵۵۵ ماده از قانون مدنی برگزیده و کاربردی در آزمون‌های حقوقی/ تدوین الهام مختاری؛ [به سفارش] موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش.
مشخصات نشر	تهران: چتر دانش، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	۱۱۶ص؛؛ ۱۱×۱۷س.م.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۳۸۱-۵۶-۵:
وضعیت فهرست نویسی	فیپا
عنوان گسترده	پانصد و پنجاه و پنج ماده کاربردی قانون مدنی.
موضوع	قانون مدنی -- ایران
شناسه افزوده	مختاری محمدی، الهام، ۱۳۶۵ - ، گردآورنده
شناسه افزوده	موسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
رده بندی کنگره	۱۳۹۲ ۴۹۳/۸ KMH
رده بندی دیویی	۳۴۷/۵۵
شماره کتابشناسی ملی	۳۱۳۱۲۳۶

نام کتاب	۵۵۵ ماده از قانون مدنی برگزیده و کاربردی در آزمون‌های حقوقی
ناشر	چتر دانش
تدوین	الهام مختاری
نوبت و سال چاپ	پنجم- ۱۴۰۱
شمارگان	۵۰۰
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۳۸۱-۵۶-۵:
قیمت	۶۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خم‌نبری جاوید(ارديبهشت‌شمالی)، پلاک ۸۸  
تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷- تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳  
پست الکترونیکی: nashr.chatr@gmail.com  
کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

## سخن ناشر

رشته‌ی حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله‌ی یکی از پرطرفدارترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه‌ی خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه‌ی کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان‌که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند.

این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته‌ی حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

**مؤسسه‌ی آموزش عالی آزاد چتر دانش**، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته‌ی حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه‌ی خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه‌ی علمی بیش از پیش به‌منصه‌ی ظهور برساند.

**فرزاد دانشور**

**مدیر مسئول انتشارات چتر دانش**

## پیشگفتار

هو الحکیم




در لابلای صفحات انباشته قوانینی که از گذرگاه قوه مقننه گذر کرده اند، چه فراوان قوانینی هستند که افزون بر کارکرد اصلی خود که تنظیم روابط فردی و اجتماعی است، کارکرد جدیدی یافته اند. سالیانی است که آزمون های متنوع حقوقی از آزمون های تحصیلات تکمیلی گرفته تا آزمون های شغلی و استخدامی به عنوان میزانی برای سنجش سرآمدان و نخبگان به حساب می آیند. در این آزمون ها آنچه منبع اصلی و مأخذ سوالات است، همان قوانین موضوعه است. ناگزیر هر داوطلب باید برای اثبات سرآمدی علمی و عملی خود، چیرگی و تسلطش را بر قوانین موضوعه افزایش داده و با کشف ارتباط منطقی میان مواد قانونی، خود را پیروز این میدان گرداند.

کتابی که در دستان شماست مجموعه ای از مواد قانونی است، که نگارنده با لحاظ معیارهای خاصی آن ها را از میان دیگر مواد قانونی برگزیده است. این گزینش، بر اساس بازنگری سوالات دوره های پیشین آزمون های متفاوت حقوقی و نیز با سنجش صعوبت و سهولت فهم آن مواد بوده است. نگارنده پس از فراغت از تدوین قانون مدنی نموداری و قانون آیین دادرسی مدنی نموداری و توفیق طبع آن دو، جهد خود را معطوف بر تصنیف این مجموعه داشت و در این امر خود را از مشورت و استعانت از دیگر دانش پژوهان حقوقی مستغنی ندانست. امید است که این مجموعه همراهی کارآمد برای مخاطبان بوده و صاحبان دقت و نظر، نگارنده را از اظهارات سازنده خود محروم نفرمایند.

الهام مختاری

تهران - بهار ۱۳۹۲

## راهنما

خوانندگان گرامی! لازم به یادآوری است که نشانه های درج شده در ابتدای هر ماده قانونی نشانگر درجه اهمیت ماده های ذکر شده می باشد. به طوری که مواد قانونی که دارای علامت  می باشند از بیشترین درجه اهمیت نسبت به سایر مواد قانونی برخوردار هستند. که این مواد را ممتاز می نامیم و بدیهی است سایر مواد از لحاظ اهمیت آزمونی و کاربردی از اهمیت کمتری برخوردارند. به طوری که علامت های   در ابتدای سایر مواد قانونی به تدریج نشانگر درجه اهمیت خیلی مهم و مهم می باشند.

▣ ماده ۶- قوانین مربوط به احوال شخصیه از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص و ارث، در مورد کلیه اتباع ایران ولو اینکه مقیم در خارجه باشند، مجری خواهد بود.

▣ ماده ۷- اتباع خارجه مقیم در خاک ایران، از حیث مسائل مربوط به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه، در حدود معاهدات، مطیع مقررات دولت متبوع خود خواهند بود.

▣▣ ماده ۱۰- قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است.

▣▣ ماده ۱۶- مطلق اشجار و شاخه های آن و نهال و قلمه، مادام که بریده یا کنده نشده است غیرمنقول است.

▣▣▣ ماده ۱۷- حیوانات و اشیائی که مالک آن را برای عمل زراعت اختصاص داده باشد، از قبیل گاو و گاومیش و ماشین و اسباب و ادوات زراعت و تخم و غیره و بطور کلی هر مال منقول که برای استفاده از عمل زراعت لازم و مالک آن را به این امر تخصیص داده باشد، از جهت صلاحیت محاکم توقیف اموال جزو ملک محسوب و در حکم مال غیرمنقول است و همچنین است تلمبه و گاو یا حیوان دیگری که برای آبیاری زراعت یا خانه و باغ اختصاص داده شده است.

▣▣▣▣ ماده ۱۸- حق انتفاع از اشیاء غیرمنقوله، مثل حق عمری و سکنی و همچنین حق ارتفاق نسبت به ملک غیر، از قبیل حق العبور و حق المجری و دعاوی راجعه به اموال غیرمنقوله از قبیل تقاضای خلع ید و امثال آن تابع اموال غیرمنقول است.

▣▣▣ ماده ۲۰- کلیه دیون، از قبیل قرض و ثمن مبیع و مال الاجاره عین مستأجره، از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول است، ولو اینکه مبیع یا عین مستأجره از اموال غیرمنقوله باشد.

▣▣▣ ماده ۲۸- اموال مجهول المالک با اذن حاکم یا مأذون از قبل او به مصارف فقرا می رسد.

▣▣▣ ماده ۲۹- ممکن است اشخاص نسبت به اموال، علاقه های ذیل را دارا باشند:

۱- مالکیت (اعم از عین یا منفعت)

۲- حق انتفاع

۳- حق ارتفاق به ملک غیر.

▣▣▣ ماده ۳۰- هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد، مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.

▣▣▣ ماده ۳۲- تمام ثمرات و متعلقات اموال منقوله و غیرمنقوله که طبعاً یا در نتیجه عملی حاصل شده باشد، بالتبع مال مالک اموال مزبوره است.

▣▣▣ ماده ۳۳- نماء و محصولی که از زمین حاصل می شود، مال مالک زمین است، چه به خودی خود روئیده باشد یا به واسطه عملیات مالک، مگر این که نماء یا حاصل از اصله یا حبه غیرحاصل شده باشد، که در این صورت درخت و محصول مال صاحب اصله یا حبه خواهد بود، اگرچه بدون رضای صاحب زمین کاشته شده باشد.

▣▣▣ ماده ۳۵- تصرف به عنوان مالکیت دلیل مالکیت است، مگر این که خلاف آن ثابت شود.

▣ ماده ۳۷- اگر متصرف فعلی اقرار کند که ملک سابقاً مال مدعی او بوده است، در این صورت، مشارالیه نمی تواند برای رد ادعای مالکیت شخص مزبور به تصرف خود استناد کند، مگر این که ثابت نماید که ملک به ناقل صحیح به او منتقل شده است.

▣ ماده ۴۰- حق انتفاع عبارت از حقی است که به موجب آن شخص می تواند از مالی که عین آن ملک دیگری است یا مالک خاصی ندارد استفاده کند. ▣ ماده ۴۱- عمری حقی انتفاعی است که به موجب عقدی از طرف مالک برای شخص، به مدت عمر خود، یا عمر منتفع و یا عمر شخص ثالثی، برقرار شده باشد.

▣ ماده ۴۴- در صورتی که مالک برای حق انتفاع مدتی معین نکرده باشد، حبس مطلق بوده و حق مزبور تا فوت مالک خواهد بود، مگر اینکه مالک قبل از فوت خود رجوع کند.

▣ ماده ۴۵- در موارد فوق، حق انتفاع را فقط درباره شخص یا اشخاصی می توان برقرار کرد که در حین ایجاد حق مزبور وجود داشته باشند، ولی ممکن است حق انتفاع تبعاً برای کسانی هم که در حین عقد به وجود نیامده اند برقرار شود و مادامی که صاحبان حق انتفاع موجود هستند حق مزبور باقی و بعد از انقراض آن ها حق زائل می گردد.

▣ ماده ۴۷- در حبس، اعم از عمری و غیره قبض شرط صحت است.

▣ ماده ۴۹- مخارج لازمه برای نگهداری مالی که موضوع انتفاع است برعهده منتفع نیست، مگر اینکه خلاف آن شرط شده باشد.

▣ ماده ۵۱- حق انتفاع در مواد ذیل زایل می شود:



(۱) در صورت انقضاء مدت؛

(۲) در صورت تلف شدن مالی که موضوع انتفاع است.

**ماده ۵۲-** در موارد ذیل منتفع ضامن تضررات مالک است:

(۱) در صورتی که منتفع از مال موضوع انتفاع سوءاستفاده کند.

(۲) در صورتی که شرایط مقرر از طرف مالک را رعایت ننماید و این عدم رعایت موجب خسارتی بر موضوع حق انتفاع باشد.

**ماده ۵۳-** انتقال عین از طرف مالک به غیر موجب بطلان حق انتفاع نمی شود، ولی اگر منتقل الیه جاهل باشد که حق انتفاع متعلق به دیگری است، اختیار فسخ معامله را خواهد داشت.

**ماده ۵۶-** وقف واقع می شود به ایجاب از طرف واقف به هر لفظی که صراحتاً دلالت بر معنی آن کند، و قبول طبقه اول از موقوف علیهم یا قائم مقام قانونی آن‌ها در صورتی که محصور باشند. مثل وقف بر اولاد و اگر موقوف علیهم غیرمحصور یا وقف بر مصالح عامه باشد در این صورت قبول حاکم شرط است.

**ماده ۵۹-** اگر واقف عین موقوفه را به تصرف وقف ندهد وقف محقق نمی شود و هر وقت به قبض داد وقف تحقق پیدا می کند.

**ماده ۶۱-** وقف بعد از وقوع آن به نحو صحت و حصول قبض لازم است؛ و واقف نمی تواند از آن رجوع کند یا در آن تغییری بدهد یا از موقوف علیهم کسی را خارج کند یا کسی را داخل در موقوف علیهم نماید، یا با آن‌ها شریک کند یا اگر در ضمن عقد متولی معین نکرده بعد از آن متولی قرار دهد یا خود به عنوان تولیت دخالت کند.

▣ ماده ۶۵- صحت وقفی که به علت اضرار دیان واقف واقع شده باشد منوط

به اجازه دیان است.

▣ ماده ۶۹- وقف بر معدوم صحیح نیست مگر به تبع موجود.

▣ ماده ۷۰- اگر وقف بر موجود و معدوماً واقع شود، نسبت به سهم موجود

صحیح و نسبت به سهم معدوم باطل است.

▣ ماده ۷۲- وقف بر نفس به این معنی که واقف خود را موقوف علیه یا

جزء موقوف علیهم نماید یا پرداخت دیون یا سایر مخارج خود را از منافع

موقوفه قرار دهد باطل است، اعم از اینکه راجع به حال حیات باشد یا

بعد از فوت.

▣ ماده ۷۳- وقف بر اولاد و اقوام و خدمه و واردین و امثال آن‌ها صحیح است.

▣ ماده ۷۷- هرگاه واقف برای دو نفر یا بیشتر بطور استقلال تولیت قرار

داده باشد، هر یک از آن‌ها فوت کند دیگری یا دیگران مستقلاً تصرف

می‌کنند و اگر بنحو اجتماع قرار داده باشد، تصرف هر یک بدون تصویب

دیگری یا دیگران نافذ نیست و بعد از فوت یکی از آنها حاکم شخصی را

ضمیمه آن‌که باقی مانده است می‌نماید که مجتمعاً تصرف کنند.

▣▣▣ ماده ۷۹- واقف یا حاکم نمی‌تواند کسی را که درضمن عقد وقف متولی

قرار داده شده عزل کند، مگر در صورتی که حق عزل شرط شده

باشد و اگر خیانت متولی ظاهر شود، حاکم ضمّ امین می‌کند.

▣▣▣ ماده ۹۰- عین موقوفه در مورد جواز بیع به اقرب به غرض واقف تبدیل

می‌شود.

▣▣▣ ماده ۹۱- در موارد ذیل منافع موقوفات عامه صرف بریات عمومی خواهد

شد:

۱) در صورتی که منافع موقوفه مجهول المصرف باشد، مگر این که قدر متیقنی در بین باشد.

۲) در صورتی که صرف منافع موقوفه در مورد خاصی که واقف معین کرده است متعذر باشد.

▣ **ماده ۹۳-** ارتفاق حقی است برای شخص در ملک دیگری.

▣ **ماده ۱۰۵-** کسی که حق الارتفاق در ملک غیر دارد مخارجی که برای تمتع از آن حق لازم شود به عهده صاحب حق می باشد، مگر این که بین او و صاحب ملک برخلاف آن قراری داده شده باشد.

▣ **ماده ۱۳۲-** کسی نمی تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود، مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد.

▣ **ماده ۱۳۳-** کسی نمی تواند از دیوار خانه خود به خانه همسایه در باز کند، اگر چه دیوار ملک مختصی او باشد، لیکن می تواند از دیوار مختصی خود روزنه یا شبکه باز کند و همسایه حق منع او را ندارد، ولی همسایه هم می تواند جلو روزنه و شبکه دیوار بکشد یا پرده بیاویزد که مانع رویت شود.

▣ **ماده ۱۴۰-** تملک حاصل می شود:

۱- به احیاء اراضی موات و حیزات اشیاء مباحه.

۲- به وسیله عقود و تعهدات.

۳- به وسیله اخذ به شفعه.

۴- به ارث.

▣ ماده ۱۴۳- هرکس از اراضی موات و مباحه قسمتی را به قصد تملک احیاء کند مالک آن قسمت می شود.

▣ ماده ۱۴۶- مقصود از حیات تصرف و وضع ید است یا مهیا کردن وسایل تصرف و استیلا.

▣▣ ماده ۱۸۳- عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آن‌ها باشد.

▣▣ ماده ۱۸۸- عقد خیاری آن است که برای طرفین یا یکی از آن‌ها یا برای ثالثی اختیار فسخ باشد.

▣▣▣ ماده ۱۸۹- عقد منجز آن است که تأثیر آن بر حسب انشاء موقوف به امر دیگری نباشد و الا معلق خواهد بود.

▣▣▣ ماده ۱۹۰- برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است:

(۱) قصد طرفین و رضای آن‌ها.

(۲) اهلیت طرفین.

(۳) موضوع معین که مورد معامله باشد.

(۴) مشروعیت جهت معامله.

▣▣▣▣ ماده ۱۹۱- عقد محقق می شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند.

▣▣▣▣▣ ماده ۱۹۳- انشاء معامله ممکن است به وسیله عملی که مبین قصد و رضا باشد مثل قبض و اقباض حاصل گردد، مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.

▣▣▣ ماده ۱۹۴- الفاظ و اشارات و اعمال دیگر که متعاملین به وسیله آن انشاء معامله می نمایند باید موافق باشد به نحوی که احد طرفین همان عقدی را قبول کند که طرف دیگر قصد انشاء آن را داشته است، و الا معامله باطل خواهد بود.

▣▣▣ ماده ۱۹۵- اگر کسی در حال مستی یا بیهوشی یا در خواب معامله نماید آن معامله به واسطه فقدان قصد باطل است.

▣▣▣ ماده ۱۹۶- کسی که معامله می کند آن معامله برای خود آن شخص محسوب است، مگر اینکه در موقع عقد خلاف آن را تصریح نماید، یا بعد خلاف آن ثابت شود. مع ذلک ممکن است در ضمن معامله که شخص برای خود می کند تعهدی هم به نفع شخص ثالثی بنماید.

▣▣▣ ماده ۱۹۷- در صورتی که ثمن یا مئمن معامله عین متعلق به غیر باشد، آن معامله برای صاحب عین خواهد بود.

▣▣▣ ماده ۱۹۸- ممکن است طرفین یا یکی از آنها به وکالت از غیر اقدام بنمایند و نیز ممکن است که یک نفر به وکالت از طرف متعاملین این اقدام را به عمل آورد.

▣▣▣ ماده ۱۹۹- رضای حاصل در نتیجه اشتباه یا اکراه موجب نفوذ معامله نیست.

▣▣▣ ماده ۲۰۰- اشتباه وقتی موجب عدم نفوذ معامله است که مربوط به خود موضوع معامله باشد.

▣▣▣ ماده ۲۰۱- اشتباه در شخص طرف به صحت معامله خللی وارد نمی آورد، مگر در مواردی که شخصیت طرف علت عمده عقد بوده باشد.

- ▣▣▣ ماده ۲۰۲- اکراه به اعمالی حاصل می شود که موثر در هر شخص با شعوری بوده و او را نسبت به جان یا مال یا آبروی خود تهدید کند، به نحوی که عادتاً قابل تحمل نباشد. درمورد اعمال اکراه آمیز سن و شخصیت و اخلاق و مرد یا زن بودن شخص باید در نظر گرفته شود.
- ▣▣▣ ماده ۲۰۳- اکراه موجب عدم نفوذ معامله است، اگر چه از طرف شخص خارجی غیر از متعاملین واقع شود.
- ▣▣▣ ماده ۲۰۴- تهدید طرف معامله در نفس یا جان یا آبروی اقوام نزدیک او از قبیل زوج و زوجه و آباء و اولاد، موجب اکراه است. درمورد این ماده تشخیص نزدیکی درجه برای موثر بودن اکراه بسته به نظر عرف است.
- ▣▣▣ ماده ۲۰۶- اگر کسی در نتیجه اضطراب اقدام به معامله کند مگره محسوب نشده و معامله اضطرابی معتبر خواهد بود.
- ▣▣▣ ماده ۲۰۹- امضاء معامله بعد از رفع اکراه موجب نفوذ معامله است.
- ▣▣▣ ماده ۲۱۲- معامله با اشخاصی که بالغ یا عاقل یا رشید نیستند به واسطه عدم اهلیت باطل است.
- ▣▣▣ ماده ۲۱۳- معامله محجورین نافذ نیست.
- ▣▣▣ ماده ۲۱۵- مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلایی مشروع باشد.
- ▣▣▣ ماده ۲۱۶- مورد معامله باید مبهم نباشد، مگر در موارد خاصه که علم اجمالی به آن کافی است.
- ▣▣▣ ماده ۲۱۷- در معامله لازم نیست که جهت آن تصریح شود ولی اگر تصریح شده باشد باید مشروع باشد و الا معامله باطل است.

▣▣ ماده ۲۱۸- هر گاه معلوم شود که معامله با قصد فرار از دین به طور صوری

انجام شده آن معامله باطل است. (اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۴)

▣▣ ماده ۲۱۸ مکرر- هر گاه طلبکار به دادگاه دادخواست داده دلائل اقامه

نماید که مدیون برای فرار از دین قصد فروش اموال خود را دارد، دادگاه می تواند قرار توقیف اموال وی را به میزان بدهی او صادر نماید که در این صورت بدون اجازه دادگاه حق فروش اموال را نخواهد داشت. (۱۳۷۰/۸/۴)

▣▣ ماده ۲۱۹- عقودی که برطبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم

مقام آن ها لازم الاتباع است، مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود.

▣▣ ماده ۲۲۰- عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح

شده است ملزم می نماید بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می شود ملزم می باشند.

▣▣ ماده ۲۲۱- اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام

امری خودداری کند، در صورت تخلف مسئول خسارت طرف مقابل است؛ مشروط بر اینکه جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله‌ی تصریح باشد و یا بر حسب قانون موجب ضمان باشد.

▣▣ ماده ۲۲۲- در صورت عدم ایفاء تعهد با رعایت ماده فوق حاکم می تواند

به کسی که تعهد به نفع او شده است اجازه دهد که خود او عمل را انجام دهد و متخلف را به تأدیه مخارج آن محکوم نماید.

▣▣▣ ماده ۲۲۳- هر معامله که واقع شده باشد محمول بر صحت است مگر

این که فساد آن معلوم شود.

- ▣▣ ماده ۲۲۵- متعارف بودن امری در عرف و عادت به طوری که عقد بدون تصریح هم منصرف به آن باشد به منزله ذکر در عقد است.
- ▣▣ ماده ۲۲۶- در مورد عدم ایفاء تعهدات از طرف یکی از متعاملین طرف دیگر نمی‌تواند ادعای خسارت نماید، مگر این‌که برای ایفاء تعهدات مدت معینی مقرر شده و مدت مزبور منقضی شده باشد؛ و اگر برای ایفاء تعهد مدتی مقرر نبوده طرف وقتی می‌تواند ادعای خسارت نماید که اختیار موقع انجام با او بوده و ثابت نماید که انجام تعهد را مطالبه کرده است.
- ▣▣ ماده ۲۲۷- متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تأدیه خسارت می‌شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده است که نمی‌توان مربوط به او نمود.
- ▣▣ ماده ۲۲۸- در صورتی که موضوع تعهد تأدیه وجه نقدی باشد، حاکم می‌تواند با رعایت ماده ۲۲۱ مدیون را به جبران خسارت حاصله از تأخیر در تأدیه دین محکوم نماید.
- ▣▣ ماده ۲۲۹- اگر متعهد به واسطه حادثه‌ای که دفع آن خارج از حیطة اقتدار او است نتواند از عهده تعهد خود برآید، محکوم به تأدیه خسارت نخواهد بود.
- ▣▣ ماده ۲۳۰- اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف متخلف مبلغی به عنوان خسارت تأدیه نماید، حاکم نمی‌تواند او را به بیشتر یا کمتر از آنچه که ملزم شده است محکوم کند.
- ▣▣ ماده ۲۳۱- معاملات و عقود فقط درباره طرفین متعاملین و قائم مقام قانونی آنها مؤثر است مگر در مورد ماده ۱۹۶.



▣▣▣ ماده ۲۳۲- شروط مفصله ذیل باطل است ولی مفسد عقد نیست:

۱- شرطی که انجام آن غیرمقدور باشد.

۲- شرطی که در آن نفع و فایده نباشد.

۳- شرطی که نامشروع باشد.

▣▣▣ ماده ۲۳۳- شروط مفصله ذیل باطل و موجب بطلان عقد است:

۱- شرط خلاف مقتضای عقد.

۲- شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین شود.

▣▣▣ ماده ۲۳۴- شرط بر سه قسم است:

۱- شرط صفت.

۲- شرط نتیجه.

۳- شرط فعل اثباتاً یا نفیاً. شرط صفت عبارت است از شرط راجع به کیفیت یا کمیت مورد معامله. شرط نتیجه آن است که تحقق امری در خارج شرط شود. شرط فعل آن است که اقدام یا عدم اقدام به فعلی بر یکی از متعاملین یا بر شخص خارجی شرط شود.

▣▣▣ ماده ۲۳۵- هرگاه شرطی که در ضمن عقد شده است شرط صفت باشد

و معلوم شود آن صفت موجود نیست، کسی که شرط به نفع او شده است  
خیار فسخ خواهد داشت.

▣▣▣ ماده ۲۳۶- شرط نتیجه در صورتی که حصول آن نتیجه موقوف به سبب

خاصی نباشد، آن نتیجه به نفس اشتراط حاصل می شود.

▣▣▣ ماده ۲۳۷- هرگاه شرط در ضمن عقد شرط فعل باشد اثباتاً یا نفیاً،

کسی که ملتزم به انجام شرط شده است باید آن را به جا بیاورد؛ و در

صورت تخلف طرف معامله می تواند به حاکم رجوع نموده تقاضای اجبار به وفاء شرط بنماید.

▣ ماده ۲۳۸- هرگاه فعلی در ضمن عقد شرط شود و اجبار ملتزم به انجام آن غیر مقدور ولی انجام آن به وسیله شخص دیگری مقدور باشد، حاکم می تواند به خرج ملتزم موجبات انجام آن فعل را فراهم کند.

▣ ماده ۲۳۹- هرگاه اجبار مشروط علیه برای انجام فعل مشروط ممکن نباشد و فعل مشروط هم از جمله اعمالی نباشد که دیگری بتواند از جانب او واقع سازد طرف مقابل حق فسخ معامله را خواهد داشت.

▣▣ ماده ۲۴۰- اگر بعد از عقد انجام شرط ممتنع شود یا معلوم شود که حین انعقد ممتنع بوده است، کسی که شرط برنفع او شده است اختیار فسخ معامله را خواهد داشت؛ مگر اینکه امتناع مستند به فعل مشروط له باشد.

▣▣ ماده ۲۴۲- هرگاه در عقد شرط شده باشد که مشروط علیه مال معین را رهن دهد و آن مال تلف یا معیوب شود مشروط له اختیار فسخ معامله را خواهد داشت نه حق مطالبه عوض رهن یا ارض عیب؛ و اگر بعد از آن که مال را مشروط له به رهن گرفت آن مال تلف یا معیوب شود، دیگر اختیار فسخ ندارد.

▣▣▣ ماده ۲۴۳- هرگاه در عقد شرط شده باشد که ضامنی داده شود و این شرط انجام نگیرد، مشروط له حق فسخ معامله را خواهد داشت.

▣▣▣▣ ماده ۲۴۴- طرف معامله که شرط به نفع او شده می تواند از عمل به آن شرط صرف نظر کند، در این صورت مثل آن است که این شرط در معامله قید نشده باشد، لیکن شرط نتیجه قابل اسقاط نیست.

□ ماده ۲۴۵- اسقاط حق حاصل از شرط ممکن است به لفظ باشد یا به فعل، یعنی عملی که دلالت بر اسقاط شرط نماید.

□□ ماده ۲۴۶- در صورتی که معامله به واسطه اقاله یا فسخ به هم بخورد، شرطی که در ضمن آن شده است باطل می شود؛ و اگر کسی که ملزم به انجام شرط بوده است عمل به شرط کرده باشد، می تواند عوض او را از مشروط له بگیرد.

□□□ ماده ۲۴۷- معامله به مال غیر جز به عنوان ولایت یا وصایت یا وکالت نافذ نیست، ولو اینکه صاحب مال باطناً راضی باشد؛ ولی اگر مالک یا قائم مقام او پس از وقوع معامله آن را اجازه نمود، در این صورت معامله صحیح و نافذ می شود.

□□ ماده ۲۴۸- اجازه مالک نسبت به معامله فضولی حاصل می شود به لفظ یا فعلی که دلالت بر امضاء عقد نماید.

□□□ ماده ۲۴۹- سکوت مالک ولو با حضور در مجلس عقد اجازه محسوب نمی شود.

□□□ ماده ۲۵۰- اجازه در صورتی موثر است که مسبوق به رد نباشد والا اثری ندارد.

□□□□ ماده ۲۵۲- لازم نیست اجازه یا رد فوری باشد. اگر تأخیر موجب تضرر طرف اصیل باشد مشارالیه می تواند معامله را به هم بزند.

□□□□□ ماده ۲۵۳- در معامله فضولی اگر مالک قبل از اجازه یا رد فوت نماید، اجازه یا رد با وارث است.

□□□□□□ ماده ۲۵۴- هرگاه کسی نسبت به مال غیر معامله نماید و بعد از آن به

نحوی از انحاء به معامله کننده فضولی منتقل شود، صرف تملک موجب نفوذ معامله سابقه نخواهد بود.

□ ماده ۲۵۵- هرگاه کسی نسبت به مالی معامله به عنوان فضولی نماید و بعد معلوم شود که آن مال ملک معامله کننده بوده است، یا ملک کسی بوده است که معامله کننده می توانسته است از قبل او ولایتاً یا وکالتاً معامله نماید، در این صورت نفوذ و صحت معامله موقوف به اجازه معامل است؛ و الا معامله باطل خواهد بود.

□□ ماده ۲۵۷- اگر عین مالی که موضوع معامله فضولی بوده است قبل از اینکه مالک معامله فضولی را اجازه یا رد کند مورد معامله دیگر نیز واقع شود، مالک می تواند هر یک از معاملات را که بخواهد اجازه کند؛ در این صورت هر یک را اجازه کرده و معاملات بعد از آن نافذ و سابق بر آن باطل خواهد بود.

□□□ ماده ۲۵۸- نسبت به منافع مالی که مورد معامله فضولی بوده است و همچنین نسبت به منافع حاصله از عوض آن اجازه یا رد، از روز عقد موثر خواهد بود.

□□□□ ماده ۲۵۹- هرگاه معامل فضولی مالی را که موضوع معامله بوده است به تصرف متعامل داده باشد و مالک آن معامله را اجازه نکند، متصرف ضامن عین و منافع است.

□□□□□ ماده ۲۶۱- در صورتی که مبیع فضولی به تصرف مشتری داده شود، هرگاه مالک معامله را اجازه نکرد مشتری نسبت به اصل مال و منافع مدتی که در تصرف او بوده ضامن است؛ اگر چه منافع را استیفاء نکرده